

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی

جایگاه شخصیت‌های حماسی در دیوان قانّی و مقایسه آن با شاهنامه فردوسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته ادبیات فارسی

استاد راهنما:

دکتر اسماعیل تاجبخش

استاد مشاور:

دکتر محمدحسن حائری

نگارنده:

حمیده راهب

شهریور ۱۳۹۲

فرم گردآوری اطلاعات پایان‌نامه‌ها
کتابخانه مرکزی دانشگاه علامه طباطبائی

عنوان: جایگاه شخصیت‌های حماسی در دیوان قآنی و مقایسه آن با شاهنامه فردوسی		
نویسنده/محقق: حمیده راهب		
مترجم: ---		
استاد راهنما: جناب آقای دکتر اسماعیل تاج‌بخش استاد مشاور: جناب آقای دکتر محمدحسن حائری استاد داور: جناب آقای دکتر رضا مصطفوی سبزواری		
کتابنامه: دارد واژه‌نامه: ---		
نوع پایان‌نامه: بنیاد <input checked="" type="checkbox"/> توسعه <input type="checkbox"/> کاربرد <input type="checkbox"/>		
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد سال تحصیلی: ۱۳۹۲		
محل تحصیل: تهران نام دانشگاه: علامه طباطبائی دانشکده: ادبیات و زبان‌های خارجی		
تعداد صفحات: ۱۷۷ گروه آموزشی: زبان و ادبیات فارسی		
کلیدواژه‌ها به زبان فارسی: قآنی، شاهنامه، سبک بازگشت ادبی، شخصیت‌های حماسی		
کلیدواژه‌ها به زبان انگلیسی: Qaani, Shahnameh, return style on literature, heroic character, reflection.		

چکیده

الف. موضوع و طرح مسئله (اهمیت موضوع و هدف):

هدف از این پژوهش نشان دادن تأثیرپذیری قآنی از شاهنامه فردوسی است. امر تأثیرپذیری در هر ادبیاتی و در برهه تاریخی وجود دارد. بعضی از شاعران ادب فارسی بدین دلیل که شاعرانی صاحب سبک هستند همواره در ادب فارسی مورد توجه شاعران دیگر در سرودن اشعار قرار گرفته اند. یکی از این شاعران، قآنی، شاعر دوره قاجار است که به صورت های گوناگونی از شاهنامه تأثیر پذیرفته و در اشعار خود بازتاب داده است.

ب. مبانی نظری شامل مرور مختصری از منابع، چارچوب نظری و پرسش ها و فرضیه ها:

۱. شیوه های تأثیرپذیری قآنی از شاهنامه در تأیید اندیشه های شاهنامه است و یا در مخالفت با آن؟
۲. قآنی بیشتر از کدام بخش از شاهنامه تأثیر پذیرفته است؟
۳. قآنی بیشتر برای چه مقاصدی از شاهنامه تأثیر پذیرفته است؟

پ. روش تحقیق شامل تعریف مفاهیم، روش تحقیق، جامعه مورد تحقیق، نمونه گیری و روش های نمونه -

گیری، ابزار اندازه گیری، نحوه اجرای آن، شیوه گردآوری و تجزیه و تحلیل داده ها:

جامعه آماری، شاهنامه و دیوان قآنی است که در این پژوهش، اصل و مبنا هستند و با بررسی این دو اثر نوع تأثیرپذیری ها و شیوه های تأثیرپذیری بر روی فیش های جداگانه ای و در موضوعات مختلف تقسیم بندی می - شود.

روش گردآوری داده ها، براساس روش کتابخانه ای است.

ث. نتیجه گیری و پیشنهادات:

از بررسی کامل دیوان قآنی و ملاحظه تنوع و فراوانی کاربردهای گوناگون نام ها و داستان های شاهنامه ای در شعر او می توان با اطمینان گفت که او کاملاً بر شاهنامه فردوسی مسلط بوده است و تحت تأثیر سنت رایج زمان خود به شیوه های مختلف از این کتاب ارزشمند تأثیر پذیرفته و بهتر و مسلط تر از دیگران توانسته است آگاهی و اشراف خویش را در شعرش به شیوه های متنوع بنمایاند و این آگاهی تنها محدود به متن حماسی

فردوسی نبوده است و او از دیگر منظومه‌های پهلوانی و روایات شفاهی_ مردمی هم مطلع بوده است. توجه قآنی به مضامین شاهنامه‌ای کلی و در حد اشاره به نام داستان‌ها و شخصیت‌ها نیست بلکه به دلیل آشنایی کامل با شاهنامه به جزئیات و عناصر گوناگون روایات نیز اشاره کرده است. مهم‌ترین بخش اشارات شخصیت‌های حماسی در دیوان قآنی تلمیحات نادر اوست. کاربرد این تلمیحات را می‌توان به ۴ مورد تقسیم‌بندی کرد:

_ تشبیه ممدوح به پهلوانان و پادشاهان و گاهی برتری دادن ممدوح

_ تصویر سازی و توصیف

_ وصف احوال خود

_ برای تنبیه و آگاهی

به طور کلی قآنی ۴۷ شخصیت حماسی شاهنامه را در دیوان خود آورده و از بین این اسامی نام رستم (تهمتن) ۹۲ بار آمده است که بالاترین بسامد را دارد.

صحت اطلاعات مندرج در این فرم بر اساس محتوای پایان‌نامه و ضوابط مندرج در فرم را گواهی می‌نمایم.

نام استاد راهنما:

سمت علمی:

نام دانشکده:

رئیس کتابخانه:

صادقانه شکر می کنم

از پدر و مادر عزیزم، این دو معلم بزرگوار، که همواره بر کوتاهی و درستی من قلم عشو کشیده و گریانه از کنار غفلت هایم گذشته اند و در تمام عرصه های زندگی یار و یاری بی چشم داشت برای من بوده اند...

از استاد با کمالت و شایسته، جناب آقای دکتر اسماعیل تاج بخش، که در کمال سعه صدر، با حسن خلق و فروتنی از هیچ گلی در این عرصه از اینجانب دریغ ننمودند و زحمت راهنمایی این رساله را بر عهده گرفتند...

از استاد مشاور ارجمند جناب آقای مرحوم دکتر محمد حسن حائری که دلوزانه زحمت مطالعه و بررسی پایان نامه ام را بر عهده داشتند و دقت عالمانه را فدای سرعت خلاصی بخش ننمودند. مع الاسف هر چند که از دست نبج ظاهری این استاد محترم بهره نبردم اما رجاء واثق دارم که اهتمام ایشان روح بخش ارتقاء مطلوبیت تلاش هایم خواهد بود. و اگر چه شاید این وجیزه آخرین قبول زحمت مشاوره در پایان نامه برای ایشان بود ولی امید دارم اولین برک گلستان خرم و شادمانی و نیز سببی بر ریزش باران رحمت الهی بر روح ایشان باشد...

و از استاد فرزانه جناب آقای دکتر رضا مصطفوی که زحمت داوری این رساله را متقبل شدند کمال شکر و قدردانی را دارم...

و با تقدیر و شکر از استاد فرهیخته جناب آقای دکتر سجاد آید نلو که با نکته های دلاویز و کفته های بلند، صحیفه های سخن را علم پرور نمود و همواره راه گشای نخبه در اتمام و اکمال پایان نامه بوده است...

باشد که این خردترین، بخشی از زحمات آنان را پاس گوید.

چکیده

در میان شاعران ایرانی قآنی به گواهی شواهد متنوع و فراوان دیوانش، پرتوجه‌ترین شاعر ادب فارسی به شاهنامه است و بیش از سخنوران دیگر توانسته تسلط خیره‌کننده خود را بر روایات ملی _ پهلوانی ایران، در شعر خویش عرضه کند. قآنی به دلایلی به کرات از نام‌ها و داستان‌های شاهنامه‌ای در شعر خویش بهره گرفته و این تلمیحات را برای مدح، توصیف طبیعت، معشوق و احوال خود، تمثیل سازی و بیان مقاصد تعلیمی به کار برده است.

مهم‌ترین بخش اشارات ملی_ پهلوانی قآنی که موجب برتری وی بر سایر شاعران است، تلمیحات نادر اوست که از مآخذ متعددی مانند شاهنامه، منظومه‌های پهلوانی، متون تاریخی و ادبی دیگر و روایات نقلی و شفاهی/عامیانه زمان استفاده شده است.

در دیوان قآنی در میان شخصیت‌های حماسی، رستم، کیخسرو، فریدون، اسفندیار، افراسیاب، جمشید، بیژن بیشتر از دیگران مورد توجه قرار گرفته‌اند.

واژگان کلیدی: قآنی، شاهنامه، سبک بازگشت ادبی، بازتاب، شخصیت‌های حماسی.

فهرست تفصیلی مطالب

مقدمه	۱
۱. فصل اول: دوره بازگشت ادبی.....	۴
۱-۱. دوره بازگشت ادبی	۵
۱-۲. اصول مکتب بازگشت	۱۲
۱-۳. سبک عکس‌العمل و تتبع.....	۱۲
۱-۴. انواع شعر در دوره بازگشت	۱۲
۱-۴-۱. اشعار مذهبی:	۱۲
۱-۴-۲. اشعار عرفانی:	۱۲
۱-۴-۳. مدیحه و اشعار درباری:	۱۳
۱-۴-۴. اشعار سیاسی و اجتماعی:	۱۴
۱-۴-۵. تصنیف و ترانه:	۱۵
۱-۴-۶. هجو، هزل، طنز:	۱۶
۱-۴-۷. حماسه:	۱۶
۱-۴-۸. اشعار خلاف مذهب.....	۱۶
۵-۱. مختصات شعر دوره بازگشت	۱۷
۵-۱-۱. از نظر زبان:	۱۷
۵-۱-۲. از نظر فکر:	۱۷
۵-۱-۳. از نظر ادبیات:	۱۸

- ۱-۶. قالبهای شعر در دوره بازگشت ۱۹
- ۱-۷. بازگشت در نثر ۱۹
- ۱-۸. نتیجه گیری ۲۲
۲. فصل دوم: درباره قآنی ۲۴
- ۲-۱. زندگی و شعر قآنی ۲۵
- ۲-۲. اوصاف قآنی ۲۷
- ۲-۳. خانواده قآنی ۳۰
- ۲-۴. شعر قآنی ۳۱
- ۲-۵. نثر قآنی ۳۸
- ۲-۶. بدیبه سرایی قآنی ۳۹
- ۲-۷. بازگشت قآنی به شیراز ۴۰
- ۲-۸. آثار قآنی ۴۱
۳. فصل سوم: جایگاه شخصیت‌های اساطیری در دیوان قآنی و مقایسه آن با شاهنامه فردوسی ۴۳
- ۳-۱. آتبین /*ātbin* ۴۴
- ۳-۱-۱. بازتاب آتبین در دیوان قآنی ۴۵
- ۳-۲. آرش /*āraš* ۴۶
- ۳-۲-۱. بازتاب آرش در دیوان قآنی ۴۸
- ۳-۳. ارجاسپ /*arjāsp* ۴۹
- ۳-۳-۱. بازتاب ارجاسپ در دیوان قآنی ۵۱

- ۳-۴. اسفندیار /*esfandiyār*/ ۵۱
- ۳-۴-۱. بازتاب جهان پهلوانی اسفندیار در دیوان قآنی ۵۴
- ۳-۴-۲. بازتاب رویین تنی اسفندیار در دیوان قآنی ۵۵
- ۳-۴-۳. بازتاب هفت خان اسفندیار در دیوان قآنی ۵۵
- ۳-۴-۴. بازتاب آسیب پذیر بودن چشم اسفندیار ۵۵
- ۳-۵. اشکبوس /*aškabus*/ ۵۶
- ۳-۵-۱. بازتاب رزم رستم و اشکبوس در دیوان قآنی ۵۷
- ۳-۵-۲. بازتاب فرار رهام از صحنه جنگ در دیوان قآنی ۵۷
- ۳-۶. افراسیاب /*afraṣiyāb*/ ۵۸
- ۳-۶-۱. بازتاب افراسیاب در دیوان قآنی ۶۱
- ۳-۷. ایرج /*iraj*/ ۶۲
- ۳-۷-۱. بازتاب ایرج در دیوان قآنی ۶۳
- ۳-۸. بهرام /*bahrām*/ ۶۳
- ۳-۸-۱. بازتاب بهرام در دیوان قآنی ۶۴
- ۳-۹. بهمن /*bahman*/ ۶۵
- ۳-۹-۱. بازتاب کینه بهمن در دیوان قآنی ۶۷
- ۳-۱۰. بیژن /*bižan*/ 69
- ۳-۱۰-۱. بازتاب به چاه افکندن بیژن در دیوان قآنی ۷۰
- ۳-۱۱. پشنگ /*pašang*/ ۷۱
- ۳-۱۱-۱. بازتاب پشنگ در دیوان قآنی ۷۲

- ۷۲...../pašutan/پشوتن ۱۲-۳
- ۷۳..... ۱-۱۲-۳. بازتاب پشوتن در دیوان قآنی
- ۷۳...../pirāne- vise/پیران ویسه ۱۳-۳
- ۷۴..... ۱-۱۳-۳. بازتاب پیران ویسه در دیوان قآنی
- ۷۵...../tur/تور ۱۴-۳
- ۷۶..... ۱-۱۴-۳. بازتاب تور در دیوان قآنی
- ۷۶...../Jamshid/جمشید ۱۵-۳
- ۷۹..... ۱-۱۵-۳. بازتاب جم و سلیمان در دیوان قآنی
- ۸۰..... ۲-۱۵-۳. بازتاب جام جم در دیوان قآنی
- ۸۰..... ۳-۱۵-۳. بازتاب پادشاهی و تخت و تاج جمشید در دیوان قآنی
- ۸۳...../xosrow/خسرو ۱۶-۳
- ۸۵..... ۱-۱۶-۳. بازتاب خسرو در دیوان قآنی
- ۸۶...../rostan/(تهمتن) ۱۷-۳
- ۸۹..... ۱-۱۷-۳. بازتاب پهلوانی و صولت رستم در دیوان قآنی
- ۹۰..... ۲-۱۷-۳. بازتاب کشته شدن سهراب توسط رستم
- ۹۱..... ۳-۱۷-۳. بازتاب جنگ رستم با اسفندیار و تیر زدن بر چشمان او
- 89..... ۴-۱۷-۳. مواردی که قآنی ممدوح را به رستم ترجیح داده است
- ۹۵...../rohham/رهام ۱۸-۳
- ۹۶..... ۱-۱۸-۳. بازتاب رهام در دیوان قآنی
- ۹۶..... ۱۹-۳. زادشم

- ۹۷.....۱-۱۹-۳. بازتاب زادشم در دیوان قآنی
- ۹۷...../zāl/ زال. ۲۰-۳
- ۹۹.....۱-۲۰-۳. بازتاب زال در دیوان قآنی
- ۱۰۱...../zarir/ زیر. ۲۱-۳
- ۱۰۱.....۱-۲۱-۳. بازتاب زیر در دیوان قآنی
- ۱۰۱...../sām/ سام. ۲۲-۳
- ۱۰۳.....۱-۲۲-۳. بازتاب سام در دیوان قآنی
- ۱۰۴...../salm/ سلم. ۲۳-۳
- ۱۰۵.....۱-۲۳-۳. بازتاب سلم در دیوان قآنی
- ۱۰۶...../sohrāb/ سهراب. ۲۴-۳
- ۱۰۸.....۱-۲۴-۳. بازتاب سهراب در دیوان قآنی
- ۱۰۹...../siyāvuš/ سیاوش. ۲۵-۳
- ۱۱۱.....۱-۲۵-۳. بازتاب خون سیاوش در دیوان قآنی:
- ۱۱۱.....۲-۲۵-۳. بازتاب کین سیاوش در دیوان قآنی
- ۱۱۱.....۳-۲۵-۳. بازتاب گذشتن سیاوش از آتش در دیوان قآنی
- ۱۱۲...../zahhak/ ضحاک. ۲۶-۳
- ۱۱۳.....۱-۲۶-۳. بازتاب ضحاک در دیوان قآنی
- ۱۱۵...../tus/ توس. ۲۷-۳
- ۱۱۶.....۱-۲۷-۳. بازتاب توس در دیوان قآنی

- ۱۱۷ /farāmarz/ فرامرز ۲۸-۳
- ۱۱۸ ۱-۲۸-۳ بازتاب فرامرز در دیوان قآنی
- ۱۱۹ /fariborz/ فریبرز ۲۹-۳
- ۱۱۹ ۱-۲۹-۳ بازتاب فریبرز در دیوان قآنی
- ۱۱۹ /fereidon/ فریدون ۳۰-۳
- ۱۲۱ ۱-۳۰-۳ بازتاب فریدون در دیوان قآنی
- ۱۲۳ /qāran/ قارن ۳۱-۳
- ۱۲۴ ۱-۳۱-۳ بازتاب قارن در دیوان قآنی
- ۱۲۵ /keyqobād/ قباد(کیقباد) ۳۲-۳
- ۱۲۶ ۱-۳۲-۳ بازتاب قباد در دیوان قآنی
- ۱۲۷ /kāvus/ کاووس(کیکاووس) ۳۳-۳
- ۱۲۹ ۱-۳۳-۳ بازتاب کاووس(کیکاووس) در دیوان قآنی
- ۱۳۰ /kāve/ کاوه ۳۴-۳
- ۱۳۲ ۱-۳۴-۳ بازتاب کاوه در دیوان قآنی
- ۱۳۳ /garsivaz/ گرسیوز ۳۵-۳
- ۱۳۳ ۱-۳۵-۳ بازتاب گرسیوز در دیوان قآنی
- ۱۳۴ /garšāsp/ گرشاسپ ۳۶-۳
- ۱۳۵ ۱-۳۶-۳ بازتاب گرشاسپ در دیوان قآنی
- ۱۳۶ /gorgin-e milād/ گرگین میلاد ۳۷-۳
- ۱۳۷ ۱-۳۷-۳ بازتاب گرگین در دیوان قآنی

- ۱۳۷/Gostah[-ham]/ گستهه ۳۸-۳
- ۱۳۸ ۱-۳۸-۳. بازتاب گستهه در دیوان قآنی
- ۱۳۸/goštāsp/ گشتاسب ۳۹-۳
- ۱۴۰ ۱-۳۹-۳. بازتاب گشتاسب در دیوان قآنی
- ۱۴۱/gudarz/ گودرز ۴۰-۳
- ۱۴۲ ۱-۴۰-۳. بازتاب گودرز در دیوان قآنی
- ۱۴۲/giv/ گیو ۴۱-۳
- ۱۴۳ ۱-۴۱-۳. بازتاب گیو در دیوان قآنی
- ۱۴۴/lohrāsp/ لهراسپ ۴۲-۳
- ۱۴۴ ۱-۴۲-۳. بازتاب لهراسپ در دیوان قآنی
- ۱۴۵/manučehr/ منوچهر ۴۳-۳
- ۱۴۶ ۱-۴۳-۳. بازتاب جاه و جلال منوچهر در دیوان قآنی
- ۱۴۶ ۲-۴۳-۳. بازتاب خوش سیمایی منوچهر در دیوان قآنی
- ۱۴۷/nariman/ نریمان ۴۴-۳
- ۱۴۷ ۱-۴۴-۳. بازتاب پهلوانیهای نریمان در دیوان قآنی
- ۱۴۸ ۴۵-۳. نستیهن
- ۱۴۹ ۱-۴۵-۳. بازتاب نستیهن در دیوان قآنی
- ۱۴۹/nowzariyān.nowzar/ نوزر/نوزریان ۴۶-۳
- ۱۵۰ ۱-۴۶-۳. بازتاب نوزر در دیوان قآنی
- ۱۵۰/hojir/ هجیر ۴۷-۳

- ۱۵۰.....۳-۴۷-۱. بازتاب هجیر در دیوان قآنی
- ۱۵۱.....۳-۴۸. هومان /humān/.....
- ۱۵۱.....۳-۴۸-۱. بازتاب هومان در دیوان قآنی
- ۱۵۲.....۳-۴۹. انواع تأثیر پذیری.....
- ۱۵۲.....۳-۴۹-۱. واژگانی.....
- ۱۵۳.....۳-۴۹-۲. تلمیحی.....
- ۱۵۴.....۳-۴۹-۳. تصویری.....
- ۱۵۶.....۳-۴۹-۴. چندسویه.....
- ۱۵۸.....۳-۵۰. نتیجه گیری.....
- ۱۶۲.....منابع.....

مقدمه

یکی از سنت‌های رایج در شعر فارسی، کاربرد نام شخصیت‌های اسطوره‌ای به تناسب سخن است. این کاربرد از منظرهایی چون میزان توجه به این شخصیت‌ها، مقایسه آنان با ممدوح و در نهایت توجه به جنبه‌های ویژه یا برجسته زندگی آنان، قابل بررسی است.

از آنجا که این مقال معطوف به میزان توجه به شخصیت‌های حماسی است و چنان‌که می‌دانیم خاستگاه اصلی این شخصیت‌ها شاهنامه است و با قرار گرفتن در متن حکایات آن جانی نو گرفته‌اند، توجه به آنها در شعر، خود نمایانگر توجه به شاهنامه نیز خواهد بود و خواه و ناخواه موضوع سخن با این شاهکار جاودان و تلمیح به داستان‌های آن پیوند خواهد خورد.

شاهنامه از هنگام پایان نظم آن جایگاه ویژه‌ای در نظر عموم مردم ایران داشته و از این روی به شیوه‌های مختلف و نیز متفاوت به لحاظ کم و کیف، مورد توجه بیشتر فرهیختگان اعم از شعرا، نویسندگان، مورخان و ... بوده است و یکی از اساسی‌ترین جریانات ادبی را در زبان فارسی هم به لحاظ پیدایی مقلدان حماسه‌سرا و هم به لحاظ تأثیرات داستانی، زبانی و ... ایجاد کرده است.

در قرن سیزدهم یک بار دیگر به شخصیت‌های تصویری توجه جدی می‌شود. توجه جدی شاهان قاجار به شاهنامه و رواج شاهنامه خوانی در این دوره از دلایل این امرند. به علاوه، هر یک از پادشاهان این سلسله چندین شاعر مداح در دربار خود داشته‌اند؛ این شاعران برای خوشایند ممدوحان آنان را در صفات مختلف به قهرمانان حماسی مانند می‌کردند مثلاً از نظر زورمندی به رستم، از لحاظ شوکت و فرّ به فریدون و جمشید مانند می‌کردند و صله دریافت می‌کرده‌اند.

نکته‌ای که در این باب گفتنی است این است که در میان شاعران ایرانی قانّی، صحبت لاری، خاقانی، خواجو، سروش، حافظ، سنایی، قطران و ... به ترتیب بیشتر از دیگران به اسطوره‌های ملی پرداخته‌اند.

قانّی شیرازی (۱۲۲۲_۱۲۷۰ هـ) شاعری است که اگر با همان توانایی‌های ادبی و استعداد سخنوری چند سده پیشتر از زمان زندگیش زاده می‌شد شاید امروز یکی از گویندگان نامدار و برجسته ادب پارسی _ در

پایه مثلاً خاقانی_ به شمار می‌رفت، اما جبر تاریخ و ظهور او در دوره قاجار، که نهایت کوشش بیشتر شاعرانش نزدیک شدن به شیوه بزرگان سبک خراسانی و عراقی بوده است، موجب کم توجهی منتقدان شعر فارسی به وی و در نتیجه ناشناخته ماندن بعضی ویژگی‌های سخنش شده است (آیدنلو، ۱۳۸۷: ۲).

یکی از وجوه اهمیت شعر قآنی پشتوانه بسیار گسترده فرهنگی وی به ویژه در حوزه اشارات و تلمیحات شاهنامه‌ای است.

در سبک‌شناسی شعر فارسی او از گویندگان مکتب بازگشت ادبی است و اهتمام عمده شعرای این مکتب، پیروی از اسلوب نمایندگان اصلی سبک خراسانی و عراقی بوده است. شاهنامه نیز مشهورترین اثر سبک خراسانی است و طبیعتاً که در مرکز توجه ویژه این شاعران_ از جمله قآنی_ باشد. به همین دلیل در بررسی نمونه اشعار سخنوران تقریباً معاصر با قآنی نیز_ نظیر: فتحعلی خان صبا، قائم مقام فراهانی، وصال، داوری، سروش، فتحعلی خان شیبانی و محمودخان ملک‌الشعرا کاشانی_ تلمیحات گوناگون شاهنامه‌ای را می‌یابیم. همچنین قآنی در عصر قاجار می‌زیسته و این دوره در تاریخ ایران یکی از ادوار درخشان توجه و علاقه‌مندی به حماسه ملی ایران و مهم‌ترین بازتاب آن رواج شاهنامه‌خوانی و نقلی بوده است. بر این اساس شاید یکی از موجبات توجه فراوان قآنی و شاعران هم‌روزگارش به اشارات شاهنامه‌ای، تداول شاهنامه-خوانی، نقلی و داستان‌های شفاهی در زمان زندگی آنان بوده است.

طبق گفته دکتر شفق قآنی را می‌توان بعد از صائب معروف‌ترین شاعر ایران در تمام دوره صفوی و قاجاریه شمرد و شاید در طراز سخن و خوبی وصف و انتخاب کلمات و استعمال لغات و تتبع اشعار قدما کمتر کسی از سخن‌گویان این دوره با او برابری توان کرد (رستگارفسایی، ۱۳۸۰: ۱۲).

قآنی چند اثر از خود به جای گذاشته است که مهم‌ترین آن دیوانش است که به چاپ‌های گوناگون رسیده است. این جانب دیوان قآنی چاپ دکتر محمدجعفر محجوب که بسیار قابل اعتماد و بر اساس نسخه کلهر انجام شده است را به دقت مطالعه و بررسی کردم، شخصیت‌های حماسی شاهنامه را از ابیات آن استخراج کردم (شماره صفحه هر بیت در کنار آن آورده شده است) و با شاهنامه مقایسه کردم و به نتایجی دست یافتم که در جای خود آورده‌ام.

فصل اول:

دوره بازگشت ادبی

دوره بازگشت ادبی

بازگشت ادبی شیوه و سبک خاصی نیست بلکه نوعی تقلید از گذشته است. بازگشت در شعر در نیمه قرن دوازدهم، تقریباً از اواخر عصر افشاریه، حرکت تازه ای بود که در شعر فارسی آغاز شد و تنی چند از شاعران به فکر پیروی از اسلوبهای کهن شعر فارسی افتادند و به شیوهی استادان پنج و شش سده پیش پرداختند و زمینه پیدایش گویندگان از خود بزرگتر را فراهم کردند (آرین، ۱۳۸۲: ۱۳). این طرز را در شعر «شیوه متقدمین» یا «طرز قدما» یا با عبارتهای دیگری از این قبیل نامیدند. لطفعلی آذر بیگدلی (۱۱۳۴-۱۱۹۵)، که خود از پیشگامان بازگشت ادبی است، در هیچ جای آتشکده آذر، «بازگشت ادبی» یا عبارتی نظیر آن به کار نبرده است. عین عبارتی که وی، در ترجمه مشتاق اصفهانی (۱۱۰۰-۱۱۷۱) پیشگام اصلی بازگشت ادبی در شعر، ذکر کرده این است: «از آنکه سلسله نظم را سالها بود که به تصرفات نالایق متأخرین (مقصود شعرای عصر صفوی و بعد است) از هم گسیخته، به سعی تمام و جهد مالاکلام او (یعنی مشتاق اصفهانی) پیوند اصلاح یافته ... و بنای نظم فصیحی بلاغت شعاری متقدمین را تجدید کرده». آذربیگدلی فقط از تجدید اسلوب متقدمان، یعنی شیوه شعرای پیش از عصر صفوی، سخن به میان آورده است و از کلام او نکته دیگری جز این استنباط نمی شود. عبدالرزاق دُنبلی (۱۱۷۶-۱۲۴۳)، در *حدائق الجنان*، و محمود میرزا قاجار، در *سفینه المحمود*، و رضاقلی خان هدایت (۱۲۱۵-۱۲۸۸)، در *مجمع الفصحا* در شرح حال مشتاق اصفهانی مطلب و نکته ای افزون بر گفته آذر بیگدلی نیاورده اند و درباره سایر شعرای بازگشت نیز فقط انشای مطلب آنها تفاوت دارد. البته رضاقلی خان در ادامه مطلبش افزوده است که طرز ادبی مشتاق و همگامان وی به مراتب عالیه نرسید تا اینکه جمعی از فضلا و فصحا در عصر قاجاریه طریقه قدما را به صورت کامل آن برگزیدند.

مشتاق اصفهانی (۱۱۰۱-۱۱۷۱) که در زمان جلوس نادرشاه ۴۷ ساله و در زمان کریم خان مردی مسن بود صاحب انجمن ادبی اصفهان بود و اعضای آن شاعران معروفی چون عاشق و آذربیگدلی بودند. با روی کار آمدن سلسله قاجار و تثبیت حکومت مرکزی در ایران جنبشی در ادبیات پیدا شد. عبدالوهاب نشاط که از سوی آغامحمدخان کلانتر اصفهان بود، انجمن ادبی نشاط را تأسیس کرد و بعد از مرگ آغامحمدخان به دربار فتحعلی شاه آمد. در تهران انجمن ادبی خاقان به ریاست فتحعلی شاه تشکیل شد بدین ترتیب جنبش بازگشت در نیمه دوم قرن دوازدهم یعنی از اواخر دوره افشاریه پدیدار شد و در عهد کریم خان (در این

زمان رابطه هند و ایران هم قطع شده بود) توسعه یافت اما رواج اصلی و اشاعه کامل آن از زمان فتحعلی شاه قاجار به بعد است (شمیسا، ۱۳۸۳: ۲۹۷).

فتحعلی شاه جانشین آغامحمدخان در ترتیب دادن دربار مجلل و رعایت آداب و آیین درباری به دربار سامانیان و غزنویان نظر داشت و چون خود نیز از طبع شاعری بی بهره نبود به تقلید دربارهای گذشته، شاعران را به دربار نزدیک ساخت و برای آنان مقرری معین کرد و از آنان مدیحه گویی چشم داشت. شاعران نیز به این توقع وی پاسخ دادند و بازار ثناگستری و شعر درباری بار دیگر رونق گرفت و شاعرانی چون فتحعلی خان صبا، عبدالرزاق دنبلی، فروغ کاشانی، صبور کاشانی، صاحب، نشاط و سحاب از سوی وی حمایت شدند.

شاعرانی که از دوران فتحعلی شاه تا عصر ناصرالدین شاه می زیستند به دنبال ثناگستری بودند و به ناچار از شیوه ای پیروی می کردند که متناسب با مدایح درباری باشد. می دانیم که مهم ترین شاعران ثناگستر زبان فارسی در دوره سامانی، غزنوی و سلجوقی می زیستند به همین سبب این گروه از شاعران دوره قاجار به شاعران فارسی تا قرن پنج بیشتر نظر داشتند.

بعد از فتحعلی خان صبا، قوی ترین شاعری که تجدید سبک را ادامه داده است، قآنی است. وی در دوران محمدشاه و اوایل دوران ناصرالدین شاه، شاعر رسمی دربار بود و پس از مرگ او، سروش اصفهانی، جانشین او شد (غلامرضایی، ۱۳۷۷: ۴۴۷).

علت ظهور این نهضت نه تنها تأسیس دولت قاجاریه و تشویق و علاقه پادشاهان و شاهزادگان قاجاریه به مدیحه و شعر درباری است بلکه بنا به قول ملک الشعرا بهار غالب شاعران این دوره به علت ابتدالی که در شیوه هندی راه یافته بود، از آن شیوه خسته شده بودند و به احیای شعر گذشته ایران رو آوردند. این نهضت ابتدا در اصفهان آغاز شد؛ شهرهای شیراز و کاشان و تهران پس از اصفهان به حرکت بازگشت گراییدند.

پادشاهان صفوی شاعران را مورد توجه قرار نمی دادند و اگر به ندرت شاعری مورد توجه شاهان صفوی قرار می گرفت، صرفاً به خاطر تشویق شعرا به نظم مناقب و مرثی اهل بیت و ترویج تشیع بوده است. و همین امر موجب شد که هم قصیده اهمیت سابق خود را از دست بدهد و هم شعر به طور کلی از دربار